

ارتباط خودکارآمدی و هوش هیجانی با عملکرد مردان گلبالیست لیگ برتر

The Relationship between Self- efficacy and Emotional Intelligence with Performance in Goalball Men's of Premiership

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۰۴/۰۷

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۰۵/۰۴

B. Abdoli, A.R. Farsi, A. Alikhani Rad,
M. Malekshahiبهرروز عبدلی^۱، علیرضا فارسی^۲،
علی علیخانی راد^۳، مریم ملک شاهی^۴

Abstract

The purpose of this study was to determine The Relationship between Self-efficacy and Emotional Intelligence with Performance in Goalball Men's of Premiership. The participants were 32 male (mean age= 26.09) Goalball athletes voluntary participated in Premiership of Goalball. Measurement tools were Sharer's self-efficacy questionnaire, Siberia Shiring Emotional Intelligence questionnaire and sheet of secretary for registration of performance. Researcher read sporadic questions for every subject and wrote their answer. Statistical method was Spearman's correlation coefficient. The results indicated that there isn't significant relation between self-efficacy, emotional intelligence, and Emotional intelligence states ($p < 0/05$). There is significant relation between Self-knowledge and Goal ($p = 0/012$) and individual error ($p = 0/040$). Therefore the self-knowledge was only state that has significant relation with performance. These findings refer this matter that Self-knowledge is an important component of EQ and necessary to attend it.

Key Words: Self-Efficacy, Emotional Intelligence, Performance, Goalball.

چکیده

تحقیق حاضر با هدف تعیین ارتباط خودکارآمدی و هوش هیجانی با عملکرد مردان گلبالیست لیگ برتر انجام شده است. شرکت‌کنندگان در این تحقیق ۳۲ مرد ورزشکار گلبالیست (با میانگین سنی ۲۶/۰۹) بودند که در مسابقات لیگ برتر کشور در سال ۱۳۸۸ حضور داشتند. ابزار اندازه‌گیری تحقیق شامل: پرسشنامه‌های خودکارآمدی شرر، هوش هیجانی سبیریا شیرینگ و برگه ارزیابی منشی استاندارد بود. روایی و پایایی پرسشنامه‌ها قبلاً تعیین شده بود. به منظور اجراء تک‌تک سؤالات برای هر یک از شرکت‌کننده‌ها خوانده و نظر آن‌ها در پاسخنامه منعکس شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، تعیین همبستگی بین عملکرد با خودکارآمدی، هوش هیجانی و هر یک از مؤلفه‌های آن از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد ($p < 0/05$). یافته‌های تحقیق ارتباط معنی‌داری بین خودکارآمدی و هوش هیجانی با عملکرد نشان نمی‌دهد ($p < 0/05$) و مؤلفه‌های هوش هیجانی نیز، به‌جز مؤلفه خودآگاهی، با عملکرد مردان گلبالیست رابطه معنی‌داری ندارند؛ بنابراین تنها مؤلفه‌ای که ارتباط معنی‌داری با عملکرد دارد خودآگاهی است که هم با تعداد گل ($p = 0/012$) و هم با خطای انفرادی ($p = 0/040$) رابطه معنی‌دار مثبت دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد این مؤلفه خودآگاهی، در مقایسه با سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی اهمیت بیشتری در عملکرد این قشر از ورزشکاران نخبه دارد.

کلیدواژه‌های فارسی: خودکارآمدی، هوش هیجانی، عملکرد، گلبال.

۱. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

Email: Behrouz.abdoli@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه شهید بهشتی

۳ و ۴. کارشناس ارشد رفتار حرکتی

مقدمه

علم روان‌شناسی همواره در پی مطالعه رفتار آدمی و عوامل اثرگذار بر آن بوده است. روان‌شناسان ورزش نیز به‌منظور دستیابی ورزشکاران به موفقیت‌های ورزشی بیشتر چنین هدفی را دنبال می‌کنند. پیش‌بینی عملکرد از دغدغه‌های مهم روان‌شناسان ورزشی بوده است و محققان را واداشته تا درصد تعیین تأثیر بسیاری از شاخص‌های ذهنی بر عملکرد آتی ورزشکاران باشند. خودکارآمدی از عوامل تأثیرگذار بر سلامت روان و از موضوعات مورد توجه روان‌شناسان ورزشی است که از سال ۱۹۷۷ با مقاله‌ای از بندورا^۱ وارد حیطه روان‌شناسی شد. در نظام بندورا، خودکارآمدی به معنی احساس شایستگی، کفایت، و قابلیت کنار آمدن با زندگی است (بندورا، ۱۹۹۵). به اعتقاد او، افرادی با خودکارآمدی قوی در مقایسه با افرادی با باورهای ضعیف در انجام تکالیف کوشش بیشتری از خود نشان می‌دهند و طبعاً عملکرد آن‌ها بهتر است (بندورا، ۱۹۹۳). بندورا در نظریه شناختی - اجتماعی^۲ خود ایجاد و تقویت تصور فرد از خودکارآمدی خود را متأثر از چهار منبع می‌داند. مؤثرترین منبع، تجربه شخصی است. موفقیت‌های افراد، باوری نیرومند در کارآمدی شخصی آن‌ها ایجاد می‌کند، در حالی که شکست‌ها آن‌ها را ویران می‌کند، به‌ویژه اگر این شکست‌ها قبل از پابرجایی قوی خودکارآمدی رخ دهند. دومین منبع، تقویت و ایجاد باورهای خودکارآمدی است که از طریق مشاهده رفتار الگوها به صورت جانشین یا سرمشق (تجارب جانشینی) روی می‌دهد. منبع سوم، ترغیب کلامی^۳ یا اجتماعی است. تشویق شفاهی افرادی که توانایی تسلط بر فعالیت‌ها را دارند سبب تلاش و تحمل بیشتر آنان می‌شود. وضعیت فیزیولوژیک و هیجانی

افراد چهارمین منبع ایجاد و تقویت خودکارآمدی است (بندورا، ۱۹۹۴).

در ورزش نیز مربیان، آموزگاران و همسالان از تکنیک‌های کلامی برای تأثیر بر رفتار استفاده می‌کنند. این نوع تشویق‌ها برای ورزشکاران و توسعه خودکارآمدی آن‌ها مفید است (وینبرگ^۴ و همکاران، ۲۰۰۷). با این حال، می‌توان دریافت که عامل ترغیب کلامی در همه رشته‌های ورزشی به یک اندازه استفاده نمی‌شود؛ به‌طور مثال در ورزشکاری که به فعالیت گلبال می‌پردازد، تحقق این امر ممکن نیست و چنین ورزشکارانی در حین مسابقه کمترین ترغیب کلامی را دریافت می‌کنند؛ زیرا وضعیت جسمانی ورزشکاران و نیز قانون بازی (برقراری سکوت و ایجاد موقعیت خاص و یکسان برای اعضای نابینا یا کم‌بینای حاضر در زمین که با استفاده از چشم‌بند از حس بینایی بی‌بهره‌اند) آن‌ها را از دریافت راهنمایی و تشویق مربیان، تماشاچیان و هر یک از افراد حاضر در بیرون از زمین بازی منع می‌کند. این افراد در چنین موقعیتی به تمرین و توسعه مهارت‌های ورزشی خود می‌پردازند و به دیگر توانایی‌ها و حواس خود و همچنین به یکدیگر و توانایی‌های هم‌تیمی‌هایشان اعتماد می‌کنند (میرز^۵ و همکاران، ۲۰۰۴)، اما در دیگر رشته‌های ورزشی می‌توان تأثیر هدایت‌ها و تشویق‌های اعضای تیم، هیاهو و حضور تماشاگران را بر روند بازی حتی در حساس‌ترین لحظات آن مشاهده کرد. می‌توان چنین فرض کرد که گلبالیست‌ها در استفاده از ترغیب کلامی به‌عنوان عاملی مؤثر در خودکارآمدی با دیگر ورزشکاران متفاوت‌اند و از دریافت بیرونی آن محروم‌اند.

بیشتر پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند خودکارآمدی نقشی پیش‌بینی‌کننده در عملکرد افراد دارد و می‌توان با توسعه آن شاهد تأثیر شگرفش بر

1. Bandura
2. Social Cognition Theory
3. Verbal Persuasion

4. Weinberg
5. Mayers

احساساتش دارد و آنچه مورد تأیید است، روش ابراز احساسات است به نحوی که بتواند هم جریان تفکر را تسهیل کند و هم از انحراف جلوگیری کند. خودانگیختگی، به عقیده بسیاری از روان‌شناسان شرط بقاست. به عقیده آن‌ها، انسان سالم هیچ کاری را بدون هدف انجام نمی‌دهد و لازمه یافتن هدف و رسیدن به آن خودانگیختگی است. مهارت‌های اجتماعی، توانایی مدیریت روابط خود و دیگران است. همدلی، عبارت است از: درک احساسات و جنبه‌های مختلف دیگران و به‌کارگیری عملی مناسب و واکنش مورد علاقه برای افرادی که پیرامون ما قرار گرفته‌اند (گلمن، ۱۹۹۵).

اغلب پژوهش‌ها نشان داده‌اند که ویژگی‌های هوش هیجانی بر عملکردهایی مانند مصاحبه کردن (فاکس و اسپکتور^{۱۴}، ۲۰۰۰) (۱۵)، مدیریت (اسلاسکی و کارت رایت^{۱۵}، ۲۰۰۲) (۱۶)، تیم‌ها (جردن^{۱۶} و همکاران، ۲۰۰۲) (۱۷)، تکالیف شناختی (شات^{۱۷} و همکاران، ۲۰۰۱) (۱۸) و مفهومی (کارملی^{۱۸}، ۲۰۰۳) تأثیرگذار است. همچنین دیگر مطالعات نیز ارتباط مثبتی بین هوش هیجانی و عملکرد نشان داده‌اند (بشارت و عباسی، ۱۳۸۴؛ زی^{۱۹} و همکاران، ۲۰۰۳؛ لیونز^{۲۰} و همکاران، ۲۰۰۵؛ اجایی و فاتوکن^{۲۱}، ۲۰۰۸؛ کوئیدبچ^{۲۲} و همکاران، ۲۰۰۹).

از معدود تحقیقات مشترک در زمینه هوش هیجانی و خودکارآمدی، تحقیق چان^{۲۳} (۲۰۰۴) است که نشان داد ارتباط مثبتی بین این دو وجود دارد.

عملکرد ورزشکاران بود (شیخ و همکاران، ۱۳۸۵؛ فیتزیمونز^۱ و همکاران، ۱۹۹۱؛ هاگر^۲ و همکاران، ۲۰۰۵؛ دونپورت و لن^۳، ۲۰۰۴؛ تل ول^۴ و همکاران، ۲۰۰۷؛ روبرت^۵ و همکاران، ۲۰۰۷؛ لولاین^۶ و همکاران، ۲۰۰۸)؛ برای نمونه، از پژوهش‌های جدید می‌توان به مطالعه لولاین و همکاران (۲۰۰۸) اشاره کرد که نشان دادند بین خودکارآمدی و عملکرد صخره‌نوردان ارتباط مثبت معنی‌داری وجود دارد، اگرچه محققانی مانند ونکوور^۷ و همکاران (۲۰۰۲) نیز در مرور دو مطالعه که بازی تحلیلی‌ای را بررسی کرده بودند، وجود چنین ارتباطی بین عملکرد و خودکارآمدی را نفی کردند.

از دیگر عوامل اثرگذار بر سلامت روان و عملکرد می‌توان به هوش هیجانی^۸ اشاره کرد. گلمن (۱۹۹۵) معتقد است هوش هیجانی عبارت است از: شناخت احساسات خویش و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زندگی و توانایی اداره مطلوب خلق و خو، وضع روانی و کنترل تکانش‌هاست. عاملی است که به هنگام شکست، در شخص ایجاد امید و انگیزه می‌کند. او هوش هیجانی را شامل پنج مؤلفه خودآگاهی^۹، خودکنترلی^{۱۰}، خودانگیختگی^{۱۱}، همدلی (شعور اجتماعی)^{۱۲} و مهارت‌های اجتماعی^{۱۳} می‌داند. خودآگاهی درک عمیق و روشن از احساسات و هیجانات، نقاط ضعف و قوت، نیازها و سائق‌هاست. در خودکنترلی، فرد یک انتخاب برای چگونگی ابراز

14. Fox & Spector
15. Slaski & Cartwright
16. Jordan
17. Shutte
18. Carmeli
19. Zizzi
20. Lyons
21. Ajayi & Fatokun
22. Quoidbach
23. Chan

1. Fitzimmons
2. Hugger
3. Devonport & Lane
4. Thelwell
5. Robert
6. Llewellyn
7. Vancouver
8. Emotional Intelligence
9. Self-Awareness
10. Self Control
11. Self Motivation
12. Social Sense
13. Social Skills

خودکارآمدپنداری قوی، موفق‌تر خواهند بود و احساس شکست‌ناپذیری بیشتری خواهند داشت (بندورا، ۱۹۹۷)؛ به همین دلیل با استناد به بیشتر پژوهش‌های پیشین، توجه به ورزش گلبال به‌عنوان فعالیتی که افراد نابینا و کم‌بینا در آن شرکت دارند و به‌پیلد شرایط و قوانین بازی، کمترین تجربه و ترغیب کلامی را دریافت می‌کنند، انجام چنین پژوهشی اطلاعات با ارزشی به همراه خواهد داشت. همچنین نتایج چنین پژوهشی برای روان‌شناسان و مربیان ورزشی نیز کاربرد خواهد داشت؛ زیرا می‌توانند در پیش‌بینی عملکرد ورزشکاران از آن استفاده کنند و در صورت مشاهده ارتباط بین خودکارآمدی و عملکرد و نیز هوش هیجانی و عملکرد می‌توانند راهکارهایی برای توسعه هر یک از این عوامل در پیش گیرند تا در نهایت، عملکرد ورزشکاران را تحت‌الشعاع قرار دهند. انجام چنین پژوهشی برای تبیین عملکرد گلبالیست‌ها بر حسب سطح خودکارآمدی و هوش هیجانی‌شان ضرورت می‌یابد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق حاضر، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه تیم‌های گلبال لیگ برتر مردان سال ۱۳۸۸ جمهوری اسلامی ایران بود که ۳۶ ورزشکار را در قالب شش تیم (۳ بازیکن اصلی و ۳ بازیکن جایگزین) در بر می‌گرفت. نمونه تحقیق شامل ۳۲ ورزشکار گلبال تیم‌های لیگ برتر بودند که در این دوره از مسابقات، به‌عنوان بازیکن ثابت یا ذخیره در زمین حضور یافتند.

برای سنجش خودکارآمدی از مقیاس باورهای خودکارآمدی شرر^۴ (GSES) استفاده شد که توسط شرر و همکاران (۱۹۸۲) ساخته شده است. این مقیاس دارای ۱۷ ماده و ۵ پاسخ با امتیازات یک تا ۵ برای گزینه‌های کاملاً مخالف، مخالف، بی‌نظر، موافق

سالامی^۱ (۲۰۰۷) نیز در بررسی ارتباط هوش هیجانی و خودکارآمدی با نگرش به کار در دانش آموزان مدارس راهنمایی نشان داد ارتباط مثبت و معنی‌داری بین دو متغیر هوش هیجانی و خودکارآمدی افراد با نگرش به کار وجود دارد. انیولا و بوساری^۲ (۲۰۰۷) در بررسی استفاده از آموزش هوش هیجانی در خودکارآمدی دانشجویان آسیب‌دیده چشمی نشان دادند هوش هیجانی برنامه مؤثری در مدیریت خودکارآمدی است. ویلانواوا و سنچز^۳ (۲۰۰۷) در مطالعه خود نشان دادند هوش هیجانی همبستگی مثبتی با خودکارآمدی رهبری دارد. رستگار و معماریور (۲۰۰۹) نیز دریافتند بین هوش هیجانی و خودکارآمدی معلمان ایرانی ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

شواهد زیادی از مطالعات تجربی مقطعی و طولی، هوش هیجانی (فاکس و اسپکتور، ۲۰۰۰؛ اسلاسکی و کارت رایت، ۲۰۰۲؛ جردن و همکاران، ۲۰۰۲؛ شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ کارملی، ۲۰۰۳؛ بشارت و عباسی، ۱۳۸۴؛ زی زی و همکاران، ۲۰۰۳؛ لیونز و همکاران، ۲۰۰۵؛ اجایی و فاتوکن، ۲۰۰۸؛ کوئیدیچ و همکاران، ۲۰۰۹) و خودکارآمدی (شیخ و همکاران، ۱۳۸۵؛ فیتزیمونتز و همکاران، ۱۹۹۱؛ هاگر و همکاران، ۲۰۰۵؛ دونپورت و لن، ۲۰۰۴؛ تل ول و همکاران، ۲۰۰۷؛ روبرت و همکاران، ۲۰۰۷؛ لولاین و همکاران، ۲۰۰۸) را در عملکرد ورزشکاران مؤثر می‌داند و نشان داده‌اند که این دو عامل گاهی در پیش‌بینی نتایج فعالیت‌های ورزشی نقش دارند. بین این دو متغیر نیز ارتباط مثبتی وجود دارد (چان، ۲۰۰۴؛ سالامی و همکارش، ۲۰۰۷؛ انیولا و بوساری، ۲۰۰۷؛ ویلانواوا و سنچز، ۲۰۰۷؛ رستگار و معماریور، ۲۰۰۹). همچنین طبق نظر بندورا، ورزشکاران با

1. Salami
2. Eniola & Busari
3. Villanueva & Sanchez

4. Sherer's General Self-Efficacy Scale

در این مقیاس، نشان‌دهنده هوش هیجانی زیاد است. هنجاریابی آزمون در سال ۱۳۸۰ توسط منصوری انجام شده است و میزان پایایی درونی این آزمون در اجرای مقدماتی، به روش آلفا کرونباخ $r=0/85$ بوده است. پایایی این پرسشنامه توسط فرقدانیده هوش هیجانی بالا می باشد ۱۶۵ می باشد. نمره به همین ترتیب گزینه در سال ۱۳۸۳، ۰/۷۸ گزارش شده است.

برای اجرای پرسشنامه، سؤالات پرسشنامه برای تک‌تک ورزشکاران خوانده شد و آن‌ها پاسخ خود را ارائه دادند. برگه منشی هر مسابقه که توسط داور منشی ثبت می‌شد، به‌عنوان عملکرد ورزشکاران تیم در نظر گرفته و از فدراسیون گلبال دریافت شد. این برگه‌ها طبق آخرین قوانین و مصوبات فدراسیون جهانی در مسابقات ارائه می‌شوند.

برای توصیف داده‌ها از آمار توصیفی شامل تعداد، میانگین، انحراف استاندارد، و رسم جداول استفاده شده است. به‌دلیل نرمال نبودن برخی داده‌ها، طبق نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون ناپارامتریک ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

متغیرهای تحقیق، با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد) بررسی شدند. از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف نیز برای آزمون نرمال بودن داده‌ها استفاده شد. جدول ۱ توصیف داده‌های تحقیق و نتایج آزمون مذکور را نشان می‌دهد.

و کاملاً موافق به‌دست می‌آید. نمرات بیشتر، بیانگر خودکارآمدی قوی‌تر و نمرات کمتر، بیانگر خودکارآمدی ضعیف‌تر است. اعتبار این مقیاس توسط براتی بختیاری، با استفاده از روش محاسبه همبستگی بین مقیاس خودکارآمدی و کنترل درونی - بیرونی $r=0/79$ به‌دست آمد. براتی برای به‌دست آوردن روایی سازه، این آزمون را همراه با آزمون مقیاس عزت نفس در گروهی ۱۰۰ نفره اجرا و همبستگی $r=0/61$ را گزارش کرد که در سطح $0/05$ معنی‌دار بوده است. دلیل استفاده پژوهشگر از مقیاس عزت نفس این است که شرر و همکاران (۱۹۸۲) آن را یکی از متغیرهای همبسته با خودکارآمدی معرفی کرده‌اند. وی برای بررسی پایایی آزمون خودکارآمدی از روش دو نیمه کردن استفاده کرده است (براتی بختیاری، ۱۳۷۶). ضریب پایایی آزمون، با استفاده از روش اسپرمن‌براون با طول برابر $0/76$ و با روش دو نیمه کردن گاتمن $0/76$ به‌دست آمده است. آلفای کرونباخ با پایایی کلی سؤالات $0/79$ به‌دست آمده که رضایت‌بخش است (کرامتی، شهرآری، ۱۳۸۳).

برای سنجش هوش هیجانی از مقیاس هوش هیجانی سیریا شیرینگ^۱ استفاده شد که دارای ۳۳ سؤال در پنج مؤلفه خودآگاهی، خودکنترلی، خودانگیختگی، همدلی^۲ و مهارت‌های اجتماعی است. هر آزمودنی شش نمره جداگانه دریافت می‌کند که پنج نمره آن مربوط به هر یک از مؤلفه‌ها و نمره ششم نمره کلی فرد در هوش هیجانی است. این پرسشنامه لیکرتی است و پاسخ‌ها از همیشه تا هیچ وقت مرتب شده است. آزمودنی از انتخاب گزینه «همیشه» نمره ۵ و به همین ترتیب از گزینه «هیچ‌وقت» نمره ۱ یک دریافت می‌کند. البته در سؤالات منفی، نمره‌گذاری معکوس است. دامنه نمرات برای هر فرد بین ۳۳ تا ۱۶۵ است. نمره بیشتر

1. Sibiria Shiring
2. Empathy

جدول ۱. شاخص‌های آماری متغیرهای اصلی تحقیق

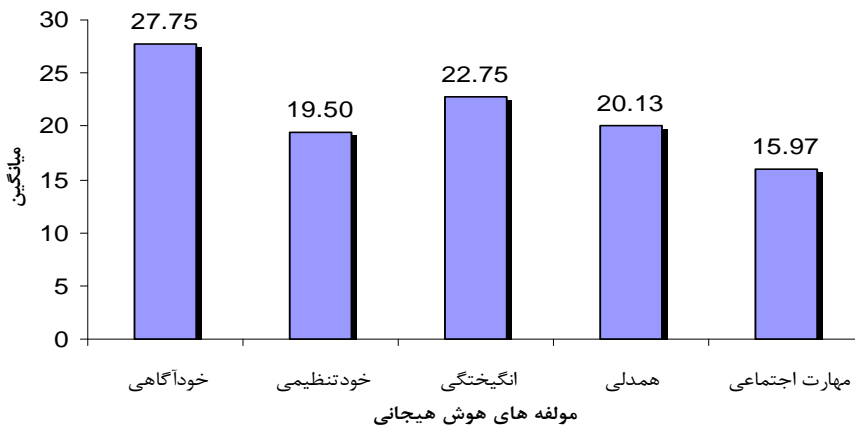
متغیر	پارامترهای آماری				
	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون نرمال بودن توزیع کولموگروف - اسمیرنوف Z	Sig
ابعاد	۳۲	۲۷/۷۵	۴/۱۵	۰/۱۷۵	۰/۰۱۴*
هوش هیجانی	۳۲	۱۹/۵۰	۴/۰۰	۰/۱۴۶	۰/۰۸۱
	۳۲	۲۲/۷۵	۳/۲۳	۰/۱۲۵	۰/۲۰۰
	۳۲	۲۰/۱۲	۳/۱۲	۰/۱۷۲	۰/۰۱۸*
	۳۲	۱۵/۹۶	۲/۹۷	۰/۲۱۶	۰/۰۰۱*
	۳۲	۱۰۶/۰۹	۷/۴۲	۰/۱۱۱	۰/۲۰۰
	۳۲	۴۸/۴۳	۷/۸۰	۰/۱۱۶	۰/۲۰۰
	۲۲۵	۷/۰۳	۷/۶۱	۰/۱۸۳	۰/۰۰۸*
	۱۲۵	۳/۹۰	۴/۵۶	۰/۲۳۸	۰/۰۰۰*

* در سطح $P \leq 0.05$ معنی دار است.

خودکارآمدی و مؤلفه‌های خودتنظیمی و خودانگیختگی نرمال است، اما توزیع سایر داده‌ها نرمال نیست؛ بنابراین با توجه به نرمال نبودن داده‌ها و همچنین ماهیت رتبه‌ای داده‌ها، برای تعیین میزان ارتباط داده‌ها از ضریب همبستگی اسپیرمن با میزان خطای آلفا کوچک‌تر از ۰/۰۵ استفاده شد. میانگین مؤلفه‌های هوش هیجانی در نمودار ۱ ترسیم شده است.

با توجه به جدول ۱، بیشترین میانگین از میان مؤلفه‌های هوش هیجانی مربوط به مؤلفه خودآگاهی (۲۷/۷۵) و کمترین میانگین مربوط به مؤلفه مهارت‌های اجتماعی (۱۵/۹۶) است. مؤلفه خودآگاهی یکی از سه مؤلفه درون‌فردی هوش هیجانی و مؤلفه مهارت اجتماعی یکی از دو مؤلفه بین‌فردی هوش هیجانی است.

آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها در این جدول نیز نشان می‌دهد توزیع داده‌های هوش هیجانی،



نمودار ۱. میانگین مؤلفه‌های هوش هیجانی

برای آزمون فرضیات تحقیق از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد ($p < 0/05$). نتایج ضریب همبستگی در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. نتایج ضریب همبستگی

گل‌های زده شده	خطای انفرادی		
-۰/۰۲۲	-۰/۰۴۰	r	خودکارآمدی
۰/۹۰۵	۰/۸۲۹	p	
۰/۲۴۲	۰/۱۴۰	r	هوش هیجانی
۰/۱۸۲	۰/۴۴۴	P	
۰/۳۶۶	۰/۴۳۹	r	خودآگاهی
-۰/۰۴۰*	۰/۰۱۲*	p	
-۰/۰۹۸	۰/۰۴۵	r	خودتنظیمی
۰/۵۹۴	۰/۸۰۵	p	
۰/۱۶۷	-۰/۱۷۸	r	خودانگیزگی
۰/۳۶۰	۰/۳۲۸	P	
-۰/۱۷۶	-۰/۳۷۹	r	همدلی
۰/۳۳۴	۰/۱۲۲	p	
۰/۱۳۹	۰/۱۵۷	r	مهارت‌های اجتماعی
۰/۴۸۳	۰/۳۹۲	P	

* در سطح $P \leq 0/05$ معنی دار است.

مستقل است.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های تحقیق نشان داد بین خودکارآمدی و عملکرد و همچنین بین هوش هیجانی (کلی) و مؤلفه‌های آن با عملکرد مردان گلبالیست لیگ برتر رابطه معنی‌داری وجود ندارد. طبق یافته‌های تحقیق حاضر، عملکرد گلبالیست‌ها (خطاهای انفرادی و گل‌های زده) مستقل از خودکارآمدی آنهاست که چنین یافته‌ای با بیشتر پژوهش‌های پیشین که نشان دادند خودکارآمدی دارای نقش پیش‌بینی‌کننده‌ای بر عملکرد افراد می‌باشد (شیخ و همکاران، ۱۳۸۵؛ فیتزیمونتر و همکاران، ۱۹۹۱؛ هاگر و همکاران، ۲۰۰۵؛ دونپورت و لن، ۲۰۰۴؛ تل ول و همکاران، ۲۰۰۷؛ روبرت و همکاران، ۲۰۰۷؛ لولاین و همکاران، ۲۰۰۸) در تناقض است. به‌جز پژوهش ونکوور و همکاران که نشان‌دهنده وجود ارتباط منفی و معنی‌دار

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، عملکرد که شامل خطاهای انفرادی ($p = 0/012$) و گل‌های زده شده ($p = 0/040$) است تنها با مؤلفه خودآگاهی ارتباط معنی‌دار دارد و بین دیگر متغیرها با عملکرد (خطای انفرادی و گل‌های زده شده) رابطه معنی‌داری مشاهده نمی‌شود ($p < 0/05$).

نتایج نشان می‌دهد بین خودکارآمدی و گل‌های زده شده و خطاهای انفرادی رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ یعنی خودکارآمدی شرکت‌کننده‌ها ارتباط معنی‌داری با عملکرد آنها ندارد. از دیگر نتایج تحقیق می‌توان به نبود ارتباط معنی‌دار بین هوش کلی هیجانی با گل‌های زده و خطاهای انفرادی، همچنین نبود ارتباط بین هر یک از مؤلفه‌های هوش هیجانی، به‌جز خودآگاهی، با گل‌های زده و خطاهای انفرادی اشاره کرد؛ بدین معنی که عملکرد شرکت‌کننده‌ها از هوش هیجانی کلی آنها و نیز از همه مؤلفه‌های هوش هیجانی، به‌جز خودآگاهی،

بین خودکارآمدی و عملکرد بوده (ونکوور و همکاران، ۲۰۰۲)، همه پژوهش‌های ذکر شده در بالا نشان دادند ارتباط مثبت و معنی‌داری بین خودکارآمدی و عملکرد افراد وجود دارد؛ بدین معنی که زیاد بودن خودکارآمدی با بهبود عملکرد و کم بودن آن با ضعف عملکردی شرکت‌کننده‌ها همراه است.

به نظر می‌رسد با توجه به نظریه خودبستگی بندورا که چهار منبع تجربه موفق شخصی، تجربیات جانشین، ترغیب کلامی و وضعیت فیزیولوژیک و هیجانی را در شکل‌گیری خودکارآمدی افراد مؤثر می‌داند (بندورا، ۱۹۹۴) و از آنجا که طبق قوانین جهانی، ارائه هرگونه بازخورد و تشویق از سوی مربیان و تماشاچیان (ترغیب کلامی) خارج از زمان استراحت و تعیین‌شده قانونی خلاف قانون بازی محسوب می‌شود، می‌توان ترغیب کلامی را از منابع خودکارآمدی دانست که تأثیر محدود و کمی بر میزان خودکارآمدی و عملکرد ورزشکاران نابینا و کم‌بینا دارد. همچنین موافق با نظر داگلاس و دیتوراید^۱ که به وجود عوامل یا مدل‌های خودکارآمدی دیگری در این ورزشکاران اشاره داشتند (داگلاس و دیتوراید، ۲۰۰۷)، به نظر می‌رسد با توجه به اینکه گلبالیست‌ها به دلیل نقص جسمانی خاصشان و قوانین بازی از مشاهده و ترغیب کلامی حین بازی و رقابت ورزشی محروم‌اند؛ منابع خودکارآمدی در این آن‌ها با افراد سالم متفاوت باشد. احتمال می‌رود منابع دیگری در خودکارآمدی افراد نابینا و کم‌بینا نقش داشته باشند که در ابزار سنجش خودکارآمدی پژوهش حاضر گنجانده نشده و با استفاده از پرسشنامه‌های موجود خودکارآمدی که بر مبنای نظریه مشهور خودبستگی بندورا ساخته شده‌اند، قابل سنجش نباشند.

طبق دیگر یافته‌های تحقیق حاضر مبنی بر نبود ارتباط معنی‌دار بین هوش هیجانی (کلی) و هر یک از

مؤلفه‌های آن، به‌جز مؤلفه خودآگاهی، با عملکرد (خطاهای انفرادی و گل‌های زده) مردان گلبالیست لیگ برتر، عملکرد گلبالیست‌ها مستقل از هوش هیجانی و نیز مؤلفه‌های خودتنظیمی، خودانگیختگی، همدلی و مهارت اجتماعی است که از این نظر با مطالعات پیشین که حاکی از وجود ارتباط بین هوش هیجانی و عملکرد بودند (فاکس و اسپکتور، ۲۰۰۰؛ اسلاسکی و کارت رایت، ۲۰۰۲؛ جردن و همکاران، ۲۰۰۲؛ شات و همکاران، ۲۰۰۱؛ کارملی، ۲۰۰۳؛ بشارت و عباسی، ۱۳۸۴؛ زی زی و همکاران، ۲۰۰۳؛ لیونز و همکاران، ۲۰۰۵؛ اجایی و فاتوکن، ۲۰۰۸؛ کوئیدیچ و همکاران، ۲۰۰۹) در تناقض است، اما یافته تحقیق کنونی مبنی بر وجود ارتباط بین مؤلفه خودآگاهی با عملکرد، با پژوهش‌های ذکر شده در بالا همخوان است. با توجه به یافته‌هایی که بیانگر وجود ارتباط معنی‌دار بین مؤلفه خودآگاهی با عملکرد بودند، می‌توان دریافت که عملکرد شرکت‌کننده‌ها از مؤلفه خودآگاهی آن‌ها مستقل نبوده است. به نظر می‌رسد با توجه به نظر گلמן که خودآگاهی را درک عمیق و روشن از احساسات و هیجانات، نقاط ضعف و قوت و نیازها و سائق‌ها تعریف می‌کند و معتقد است افراد با سطح خودآگاهی بیشتر، در کارهای خود دقیق‌اند و همواره مسئولیتی در حد توان خود را بر عهده می‌گیرند و به خوبی می‌دانند که هر نوع کنترل احساسی تا چه اندازه بر آن‌ها و اطرافیان تأثیرگذار است. این افراد در زمان روبرو شدن با هر فردی به راحتی تشخیص می‌دهند که نوع احساسات وی چه تأثیری بر آن‌ها خواهد داشت و پاسخ مناسب را برای واکنش درست انتخاب می‌کنند. آن‌ها می‌دانند چرا و به چه میزان مدیریت و رهبری را بر عهده گرفته‌اند. خیلی رک هستند، با صراحت صحبت می‌کنند و یکپارچگی خوبی در انتخاب هدف و انتخاب روش برای رسیدن به هدف خود دارند. زمانی که در چالشی قرار می‌گیرند، می‌توانند از تفکر خود برای رهایی از

آن‌ها- نمی‌توان به‌طور قطعی با نتایج پژوهش‌های محققان پیشین مقایسه کرد؛ بنابراین به روان‌شناسان و مربیان آگاه به علم روان‌شناسی ورزشی پیشنهاد می‌شود با توجه اهمیت عوامل مرتبط بر عملکرد ورزشی، به تنها ارتباط معنی‌دار مشاهده شده -که ارتباط مؤلفه خودآگاهی با عملکرد است- توجه کنند و از آن در انتخاب افراد برای شرکت در تیم‌های گلبال و نیز مسابقات پیش رو استفاده و افرادی را انتخاب کنند که خودآگاهی بیشتری داشته باشند تا از آن برتری، برای پیش‌بینی بهتر عملکرد آتی بهره‌جویند. همچنین پیشنهاد می‌شود در تمرینات و آموزش به سایر مؤلفه‌های روانی و مهارت‌های ذهنی که با عملکرد ارتباط دارند توجه شود.

منابع:

۱. براتی بختیاری، سیامک. (۱۳۷۶). بررسی رابطه ساده و چندگانه متغیرهای خوداثربخش، عزت نفس و خودیابی با عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان سال سوم نظام جدید شهر اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران.
۲. بشارت، محمدعلی؛ عباسی، غلامرضا؛ میرزاکسفیدی، رضا. (۱۳۸۴). تبیین موفقیت ورزشی در ورزش‌های گروهی و فردی بر حسب هوش هیجانی، فصلنامه المپیک، سال سیزدهم، شماره ۴ (پیاپی ۳۲).
۳. شیخ، محمود؛ باقرزاده، فضل‌الله؛ سوری، رحمان؛ بهرامی، شهاب؛ طاهری، مرتضی؛ غلام، علی‌زاده؛ رضا، امینی‌اشرف. (۱۳۸۵). بررسی اثر برد و باخت و جهت‌گیری هدفی بر میزان احساس خودکارآمدی در فوتبالیست‌های لیگ کشور، حرکت (پیاپی ۳۰): ۵۹-۶۷، زمستان.

این چالش و کنترل احساساتشان بهره ببرند (گلمن، ۱۹۹۵). به نظر می‌رسد شرکت‌کننده‌های تحقیق حاضر نیز با توجه به نقص خاص جسمانی‌شان اتکای بیشتری به خود، هیجان‌ات و نقاط ضعف و قوت خود نموده، تلاش بیشتری برای آگاهی از خود و کسب اطلاعات از محیط با استفاده از حواس و هیجان‌ات خود دارند؛ در نتیجه با توجه به یافته‌های کنونی که نشانگر وجود ارتباط معنی‌دار بین عملکرد و مؤلفه خودآگاهی در آن‌هاست، بر عملکرد خود اثرگذارند.

از طرف دیگر، بین سایر مؤلفه‌های هوش هیجانی و عملکرد ارتباط معنی‌داری مشاهده نشده است. نبود ارتباط معنی‌دار بین مؤلفه‌های هوش هیجانی، هوش هیجانی (کلی) و عملکرد با پژوهش‌های پیشین متناقض است که نشان دادند بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن با عملکرد ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد. شاید به دلیل وجود نقص جسمانی ذکر شده در شرکت‌کننده‌های مورد مطالعه بتوان در این دسته از ورزشکاران به عوامل یا مدل‌های دیگری از هوش هیجانی اشاره نمود که ممکن است نشانه مؤثرتر بودن برخی منابع مانند خودآگاهی، در مقایسه با دیگر مؤلفه‌های هوش هیجانی یا وجود منابع و ویژگی‌های دیگری برای هوش هیجانی در آن‌ها باشد که ممکن است در ابزار سنجش پژوهش حاضر وجود نداشته‌اند. در نهایت، احتمال می‌رود دلیل وجود چنین تناقضی بین یافته‌های پژوهش حاضر و یافته‌های پژوهش‌های پیشین به شرکت‌کننده‌های تحقیق کنونی مربوط باشد؛ زیرا تمامی پژوهش‌های پیشین روی افرادی سالم در زمینه‌های مختلف عملکرد ورزشی و محاسبات ذهنی انجام شده بود، اما در تحقیق حاضر عملکرد ورزشی ورزشکارانی با معلولیت خاص جسمانی مطالعه شد.

به نظر می‌رسد یافته‌های تحقیق حاضر را -به- دلیل تفاوت در نوع شرکت‌کننده‌ها و نقص جسمانی

- emotional intelligence and self-efficacy among Chinese secondary school teachers in Hong Kong. *Personality and Individual Differences* 36, 1781-1795.
14. Devonport Tracey, Lane Andy. (2004). Self-efficacy and academic performance amongst sport and exercise undergraduate students. *Sport & Exercise Scientist*. Issue 2. p. 8-9 2 p.
15. Douglas Mary Martha, Dithurbide Lori. (2007). Goal ball: How to coach the greatest sport you've probably never heard of! A beginner's coaching Manual.
16. Eniola, S., Mike, Busari, A., O. (2007). Emotional Intelligence in Prompting Self-Efficacy of the Visually Impaired Fresh Students of Federal College of Education (Special) Oyo, Nigeria. *The social Sciences* 2 (2): 152-155.
17. Fitzimmons, P., A., Landers, D., M., Thomas, J., R., Vander Mars, H. (1991). Does self-efficacy predict performance in experienced weightlifters? *Research Quarterly for Exercise & Sport*. Vol. 62 Issue 4. p. 424-431 8p.
18. Fox, S., Spector, P., E. (2000). Relations of emotional intelligence, practical intelligence, general intelligence, and trait affectivity with interview outcomes: It's not all just "g". *Journal of Organizational Behavior*, 21, 203-220.
19. Goleman, D. (1995). *Emotional intelligence*. New York: Bantam Books.
20. Hugger Martin, Chatzisarantis Nikos. (2005). *Social psychology of Exercise and Sport*. McGraw-Hill International Publisher. Page: 110.
21. Jordan, P., J., Ashkanasy, N., M., Hartel, C., E., & Hooper, G., S. (2002). Workgroup emotional intelligence: Scale development and relationship to team process, effectiveness, and goal focus. *Human Resource Management Review*, 12, 195-214.
۴. فرقدانی، آزاده. (۱۳۸۳). بررسی هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانشجویان دختر دوره کارشناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
۵. کرامتی، هادی؛ شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۳). بررسی نقش خودکارآمدی ادراک‌شده در عملکرد ریاضی، فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال سوم، شماره ۱۰.
۶. منصور، بهزاد. (۱۳۸۰). هنجاریابی هوش سبیریا شیرنگ برای دانشجویان دوره کارشناسی ارشد دانشگاه‌های دولتی مستقر در تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشکده علامه طباطبایی.
7. Ajayi, M., A., & Fatokun, A., L., A. (2008). Effect of a Six Week Emotional Intelligence Program on the Sports Performance of Amateur Athletes in Oyo state of Nigeria. *Sport Research Intelligence sportive*.
8. Bandura, A. (1993). Perceived self-efficacy in cognitive development and functioning. *Educational Psychologist*. 28(2), 117-148.
9. Bandura, A. (1994). Self-efficacy. In V., S., Ramachandram (ED), *Encyclopedia of Human behavior*. Vol. (1) 4, 71-81.
10. Bandura, A. (1995). *Self-efficacy in changing societies*. New York: Cambridge University Press.
11. Bandura, A. (1997). *Self-efficacy: The exercise of control*. New York: Freeman.
12. Carmeli, A. (2003). The relationship between emotional intelligence and work attitudes, behavior and outcomes. *Journal of Managerial Psychology*, 18, 788-813.
13. Chan, D., W. (2004). Perceived

- social Sciences. 4(4): 540-847.
29. Shutte, N., S., Schuettpelez, E., & Malouff, J., M. (2001). Emotional intelligence and task performance. *Imagination, Cognition, and Personality*, 20, 347-354.
 30. Slaski, M., & Cartwright, S. (2002). Health, performance and emotional intelligence: An exploratory study of retail managers. *Stress and Health*, 18, 63-68.
 31. Thelwell Richard, C., Lane Andrew, C., Weston Neil, J., V. (2007). Mood states, self-set goals, self-efficacy and performance in academic examinations. *Personality and Individual Differences*. Volume 42, Issue 3, Pages 573-583.
 32. Vancouver Jeffrey, B., Thompson Charles, M., E., Casey Tischner, Putka Dan, J. (2002). Two Studies Examining the Negative Effect of Self-Efficacy on Performance. *Journal of Applied Psychology*, Volume 87, Issue 3, Pages 506-516.
 33. Villanueva Jose, J., Sanchez Jose, C. (2007). Trait Emotional Intelligence and Leadership Self-Efficacy: Their Relationship with Collective Efficacy. *The Spanish Journal of Psychology*. Vol. 10, No. 2, 349-357.
 34. Weinberg Robert, S., Gould Daniel. (2007). *Foundations of Sport and Exercise Psychology*. Published by Human Kinetics. Edition: 4. Page: 334.
 35. Zizzi Samuel, J., Deaner Heather, R., Hirschhorn Douglas, K. (2003). The relation between Emotional Intelligence and Performance among College Baseball Players. *Journal of Applied Sport Psychology*, 15: 262-269.
 22. Llewellyn David, J., Sanchez Xavier, Asghar Amanda, Jones Gareth. (2008). Self-efficacy, risk taking and performance in rock climbing. *Personality and Individual Differences*. 45, 75-8.
 23. Lyons Josef, B., Schneider Tamera, R. (2005). The influence of emotional intelligence on performance. *Personality and Individual Differences* 39, 693-703.
 24. Mayers, N., D., Payment, C., A., & Feltz, D., L. (2004). Reciprocal relationships between collective efficacy and team performance in woman's ice hockey. *Group Dynamics: Theory, Research, and practice*, 8, 182-195.
 25. Quidbach Jordi, & Hansenne Michel. (2009). The impact of trait emotional intelligence on nursing team performance and cohesiveness. *Journal of Professional Nursing*, Vol. 25, No 1 (January-February), pp. 23-29.
 26. Rastegar Mina, Memarpour Samane. (2009). The relationship between emotional intelligence and self-efficacy among Iranian EFL teachers. Available online at www.sciencedirect.com. System 37. 700-707.
 27. Robert, W., Liang, H., U., Edward McAuley Motl, & Konopack James, F. (2007). Effects of Self-Efficacy on Physical Activity Enjoyment in College-Aged Women. *International Journal of Behavioral Medicine*. Vol. 14, No. 2, 92-96.
 28. Salami Samuel, O. (2007). The relation of Emotional intelligence and self-efficacy to work attitudes among secondary school teachers in southwestern Nigeria. *Pakistan Journal of*

